



شورای عالی حوزه علمیه قم

مرکز مدیریت حوزه علمیه خواهران

مقاله سطح ۲ (کارشناسی)

مدرسه علمیه: زهرا ی اطهر (علیها السلام)

شهرستان: مشهد

موضوع:

سیره ی سیاسی - اخلاقی حضرت زینب (علیها السلام)

استاد راهنما

سرکار خانم طاهره ذاکر

استاد داور

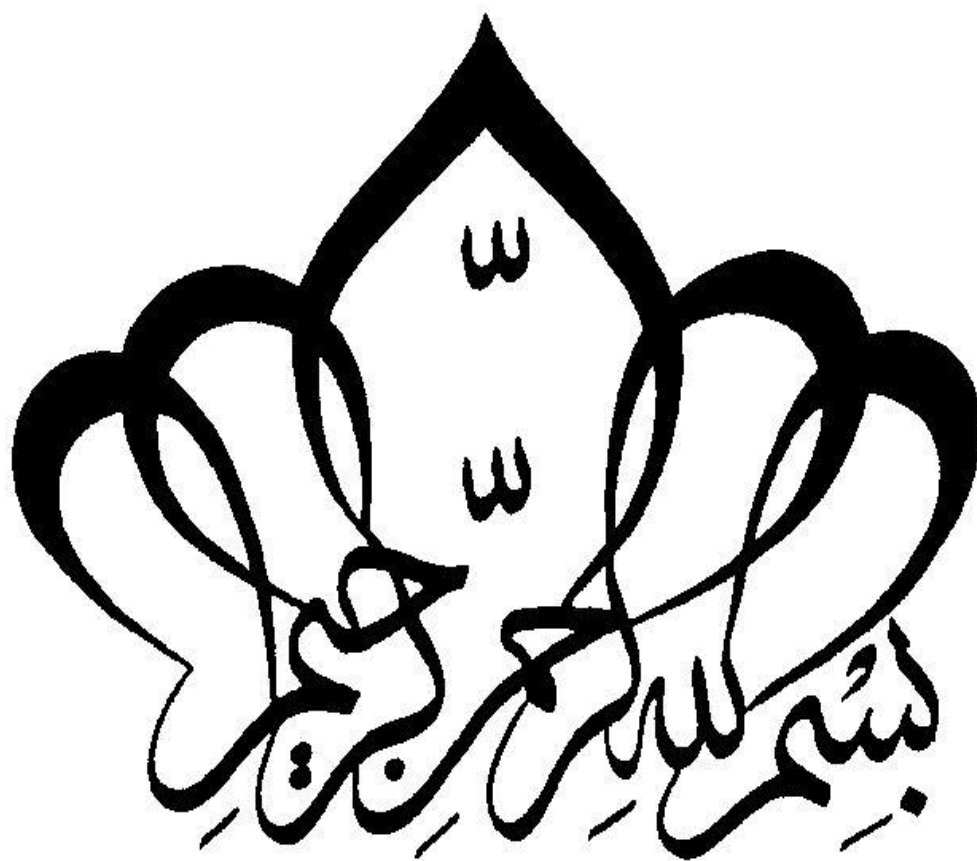
سرکار خانم رحمت آبادی

محقق

بی بی معصومه حسینی نسب

تاریخ دفاع

زمستان ۱۳۸۸



فهرست مطالب

عنوان

صفحه

۱..... مقدمه

۲..... زندگی حضرت زینب (علیها السلام) قبل از واقعه ی عاشورا

۲..... ولادت حضرت زینب (علیها السلام)

..... پدر و مادر حضرت زینب (علیها السلام)

..... مصائب وارده بر حضرت زینب (علیها السلام)

..... برخورد حضرت زینب (علیها السلام) با مصائب

..... ازدواج حضرت زینب (علیها السلام)

زندگی حضرت زینب (علیها السلام) بعد از واقعه ی عاشورا

مقام و موقعیت اجتماعی و سیاسی حضرت زینب (علیها السلام)

فضائل حضرت زینب (علیها السلام)

علم و آگاهی

عبادت و بندگی خداوند

صبر و پایداری

الگو و اسوه ی زنان امروز

وفات و محل دفن حضرت زینب (علیها السلام)

پی نوشت ها.....

نتایج.....

فهرست منابع و مآخذ.....

چکیده

نام:	نام خانوادگی:	استاد راهنما:	عنوان مقاله:
بی بی معصومه	حسینی نسب	خانم طاهره ذاکر	سیره سیاسی - اخلاقی حضرت زینب (علیها السلام)
تاریخ دفاع:	تعداد صفحات:	مدرسه علمیه:	کلیدواژه:
۱۳۸۸/۱۲/۱۰	۱۳	زهرای اطهر (علیها السلام)	سیره، سیاسی، خطبه، مصائب، صبر، شهادت.

موضوع این مقاله بررسی سیره ی سیاسی - اخلاقی حضرت زینب (علیها السلام) می باشد که شامل موضوعاتی از قبیل زندگی حضرت زینب (علیها السلام) قبل از واقعه ی عاشورا که درباره ولادت حضرت مربیان و ازدواج حضرت زینب (علیها السلام) نوشته شده و زندگی حضرت زینب (علیها السلام) بعد از واقعه ی عاشورا که رسالت و و پیام رسانی و فرازهایی از خطبه ها و فضائل اخلاقی حضرت زینب (علیها السلام) را مورد بررسی قرار می دهد. هدف از ارائه ی این موضوع: معرفی کردن حضرت زینب (علیها السلام) به عنوان الگو واسوه زنان جهان؛ زیرا از ایشان فقط در واقعه عاشورا و زمان شهادت امام حسین (علیه السلام) درماه محرم یاد می شود و مردم از این بانو به عنوان زنی مصیبت دیده نام می برند و شناخت درستی از ایشان ندارند بنابراین لازم دیدم دراین باره تحقیق کنم.

روش این تحقیق توصیفی (کتابخانه ای) می باشد.

در این مقاله از منابعی مانند ناسخ التواریخ، ع باسقلی سپهر استفاده شده که باتوجه به اینکه متن و چاپ آن قدیمی نوشته شده سعیم برآن بوده که آن را به زبان قابل فهم تر درآورم البته این کتاب از لحاظ تاریخ رویداد وقایع بسیار ارزشمند می باشد.

نتیجه ی بدست آمده این است که: همه نیازمندی ها و تسکین آلام و دردهای زن امروز در زندگی پر بار زینب کبری (علیها السلام) نهفته است، چراکه این بانوی بزرگوار معنی شخصیت و ارزش زن است، روح هر فریاد و ستیز حق طلبانه است، تکرار نام او به عنوان ذکر دائم نه تنها زنان را بلکه مردان رانیز به میدان جهاد و مبارزه می خواند و نسیم شهادت و شجاعت را بر ارواح متروک و بی رمق می دمد.

کلیدواژه ها: سیره، سیاسی، اخلاقی، مصائب، خطبه، صبر، شهادت.

مقدمه

قرآن در کنار هر مرد بزرگ و قدیسی، از یک زن بزرگ و قدیسه، یاد می کند . بی تردید در تاریخ اسلام، زنان قدیسه و عالی قدر فراوانی وجود دارند . کمتر مردی است که به مرتبه ی حضرت خدیجه (علیها السلام) برسد و هیچ مردی جز پیامبر و حضرت علی (علیه السلام) به مرتبه ی حضرت زهرا (علیها السلام) نمی رسد. چه کسی می تواند منکر مقام عصمت و ولایت مطلقه حضرت زهرا (علیها السلام) باشد؟ او که دختری چون صدیقه ی صغری در دامن پرورش داد که پیشوا و مقتدای زنان اسلام و شیعه شد . آری، او چون زینب (علیها السلام) را تربیت کرد که با خطابه ی خود لرزه بر حکومت یزید بن معاویه انداخت و بدون ندبه و زاری در برابر قاتل خاندان خود ایستاد حضرت زینب (علیها السلام) را همه می شناسیم بانویی قهرمان، شجاع، بااستقامت و خستگی ناپذیر یعنی آن که شجاعان جهان در برابر بزرگی و سخت کوشی و شجاعت او سر فرود می آورند.

این مقاله شامل دو فصل می باشد: فصل اول زندگی حضرت زینب قبل از واقعه ی عاشورا و فصل دوم: زندگی حضرت زینب بعد از واقعه ی عاشورا . در فصل اول نگاهی داریم به ولادت و مربیان و ازدواج حضرت زینب و در فصل دوم، رسالت حضرت و فرازهایی از خطبه ها و فضائل اخلاقی عقیده بنی هاشم را مورد بررسی قرار می دهیم.

زندگی حضرت زینب (علیها السلام) قبل از واقعه ی کربلا

ولادت حضرت زینب (علیها السلام)

زینب (علیها السلام) در سال پنجم یا ششم هجری در پنجم جمادی الاولی در مدینه دیده به جهان گشود.^۱ روایت می کنند که وقتی زینب (علیها السلام) زاده شد، حضرت زینب (علیها السلام) او را برای نامگذاری به نزد حضرت علی (علیه السلام) می برد. اما آن حضرت می فرماید: «من در این زمینه از رسول خدا (ﷺ) پیشی نمی گیرم. صبر کنیم تا حضرت بیاید و نام این نوزاد را معین فرماید.» در آن هنگام پیامبر اکرم (ﷺ) در سفر بودند، پس از سه روز مراجعت، از تولد دختر با خبر شد. وقتی طفل را برای نام نهادن نزد حضرت بردند، فرمودند: من هیچ گاه از جانب خود این کار را نمی کنم و بر خدای تعالی پیشی نمی گیرم. در این هنگام جبرئیل امین نازل شد و عرض کرد: خدای تعالی می فرماید: نام این نوزاد را زینب گذار زیرا خدا این نام را برگزیده است.^۲

لقب زینب (علیها السلام) عقيله یا عقيله بنی هاشم می باشد [عقيله یعنی زنی که از عقل و درایت فوق العاده ای برخوردار بوده و از فهم بسیار وجلالت ویژه ای بهره مند است]^۳

کنیه های ایشان عبارتند از ام کلثوم و ام الحسن که هر دوی اینها را پیامبویه ایشان نسبت داده است.^۴

پدر و مادر حضرت زینب (علیها السلام)

پدر بزرگوار حضرت علی (علیه السلام) و مادر گرامی اش حضرت زهرا (علیها السلام) یگانه دختر می باشد. در مورد روز، ماه و سال ولادت حضرت اختلاف است. آن حضرت دو سال از امام حسن (علیه السلام) کوچکتر بود و هنگام رحلت رسول خدا (ﷺ) پنج سال داشت. ایشان از آغاز ولادت تا پنج سالگی و بنابر قولی

تاحدود شش سالگی، در سایه پر برکت پیامبر و تحت نظر دقیق حضرت زهرا (علیها السلام) و علی (علیه السلام) رشد و نمو کرد و از عالی ترین موازین اسلام ناب بهره مند گردید.^۵

مصائب وارده بر حضرت زینب (علیها السلام)

زندگی حضرت زینب (علیها السلام) به همان اندازه که پراز قداست و پاکی و عفت و تقوا و شرف و بزرگی بود از همان دوران کودکی و خردسالی تا آخر عمر شریفش پراز حادثه و مصیبت و وقایع دردناک نیز بود.^۶ حضرت زینب (علیها السلام) شش ساله بود که جدگرا می خود را از دست داد. پس از وفات رسول خدا (صلی الله علیه و آله) مدت ۷۵ روز یا ۹۵ روز بیشتر فاطمه الزهرا (علیها السلام) برای زینب (علیها السلام) مادری نکرد و در ۱۸ سالگی با مرگ مظلومانه اش از این جهان رخت بر بست و فرزندانش را به سوگ نشانید.^۷

بعد از شهادت مادر، حضرت زینب (علیها السلام) از نزدیک مشاهده می کرد که چگونه پدرش به خاطر اسلام و حفظ مصالح جامعه ی نوپای مسلمانان و حراست از وحدت و یکپارچگی این اجتماع که پیامبر زحمت ها برای آن کشیده بود به مدت ربع قرن (۲۵ سال) سکوت کرد؛^۸

سرانجام علی (علیه السلام) بر اثر ضربتی که از شمشیر زهرآلود ابن ملجم خورده بود، از پای درآمد و به شهادت رسید.

بعد از آن برادرش، امام حسن (علیه السلام) با رامامت و خلافت را بردوش کشید ایشان برای حفظ خون کسانی که از اهل بیت رسول خدا (صلی الله علیه و آله) باقی مانده بودن مجبوره صلحا معاویه شدند. این ایام ده سال طول کشید تا اینکه با ترفند و حیلۀ معاویه سمی به خورد امام مجتبی (علیه السلام) دادند و آن حضرت را مسموم و به شهادت رساندند و جنازه ی مطهرش را آماج تیرهای خود ساختند تا در کنار مزار جدش رسول خدا (صلی الله علیه و آله) دفن نشود.

اما بزرگترین حادثه ای که در زندگی حضرت زینب (علیها السلام) رخ داد واقعه ی کربلا بود که به شهادت امام حسین و یاران وفادارش ختم شد.^۹

برخورد حضرت زینب (علیها السلام) با مصائب

حضرت زینب (علیها السلام) در برابر مصیبت ها هرگز شکست نمی خورد و در برابر این حوادث سرتسلیم فرود نمی آورد. این شخصیت بزرگ را مشکلات هرگز نمی لرزاند بلکه او با عقل و صبر و اطمینان به خدا

تمام آن غم و اندوه و مصیبت‌ها را پشت سر گذاشته و آنچه را که براونازل شده ، از معانی کمال و جلال و رازی از اسرار ایمان محمدی دانسته و آویختن به ریسمان خدا و ایمان کامل نسبت به جدش رسول خدا دانسته است.^{۱۰}

از نگاه حضرت زینب (علیها السلام) حوادث بزرگی مثل جنگ صفین، شهادت امام علی، امام حسن و امام حسین (علیهم السلام) و اسارت خاندان نبوی همگی جز محصول عقده گشایی و خواری و حقارت خانواده ابوسفیان نیست . به همین دلیل حضرت در شیوه ی تبلیغی خود، به ویژه در خطبه‌هایش می‌کوشد ضمن بیان افتخار و عزت اسلام و خاندان نبوت، پرده از نفاق امویان برداشته و با استنادهای تاریخی خود خاندان اموی را رسوا کند و ادعاهای پوچ و بی اساس آنها را در تاریخ برملا سازد ؛ ایشان در بخشی از خطبه ی مهم خود در شام می‌فرماید: «چگونه می‌توان امید داشت از فرزند کسی که جگرهای پاکان و برگزیدگان را به دندان گرفته و گوشتش از خون شهیدان روییده است؟ ! چگونه امید فروکش کردن و کندی سرعت بغض‌ورزیدن با اهل بیت از کسی می‌توان داشت که با نظر دشمنی و انتقام جویی به ما می‌نگرد؟»^{۱۱}

ازدواج حضرت زینب (علیها السلام)

هنگامی که حضرت زینب (علیها السلام) به حد بلوغ و ازدواج رسید ، بزرگان و برجستگان قبائل از ایشان خواستگاری کردند . در میان خواستگارانش عبدالله بن جعفر برادر زاده علی (علیه السلام) نیز بود که علی (علیه السلام) به خاطر شرافت خانوادگی عبدالله او را برگزید و به او جواب مثبت داد و بدین صورت این ازدواج مقدس انجام گرفت.

ثمره ی این ازدواج خجسته ۵ فرزند ، ۴ پسر و ۱ دختر به نام های علی، عون، عباس محمد و ام کلثوم است . فرزندان ی که وارث صفات عالییه ی انسانی مادر بزرگوار و پدر گرانقدر خود شدند و نامشان در صفحه ی تاریخ جاودانه ماند و در نهضت عاشورای امام حسین (علیه السلام) نام فرزند یا فرزندان ی از حضرت زینب (علیها السلام) تالکؤ دارد و آن دو شهید بزرگوار در صحنه ی کربلا یکی محمد و دیگری عون است.^{۱۲}

زندگی حضرت زینب (علیها السلام) پس از واقعه ی کربلا

مقام وموقعیت اجتماعی وسیاسی حضرت زینب (علیها السلام)

حضرت زینب (علیها السلام) در میدان سیاست و بحران های اجتماعی آنگونه درخشید که قهرمانی کم نظیر را به نام خود ثبت نمود مسلماً هر انسانی که درد و دغدغه دینداری داشته و در برابر آه مظلومان و عریده ظالمان سکوت ننماید و به خاطر مسئولیت در قبال اسلام و قرآن هر نوع نابسامانی و آوارگی را به جان بخرد به مقام قرب معنوی زینب (علیها السلام) بار خواهد یافت و در واقع خود آن حضرت در جستجوی چنین افراد مسئول و درد آشناست لکن آن کسانی که درد ی جز شکم وشهوت نداشته وتنها به رفاه وخوشیهای دنیا فریبنده دل خوش نموده اند حتی حاضر نیستند تماشا چی صحنه های پیکار مردان خ داجو باشند ودینداری رابارفاه طلبی قابل جمع می دانند.

قطعاً با حقیقت آرمان واندیشه سفیر کربلا برای ادای رسالت ومعرفی نهضت خونین برادر یکجا آرام نمی گرفت بلکه ازاین شهر به آن شهر می رفت وهر جا که پا می گذاشت برآتش انقلاب وشورش وطغیان علیه دستگاه بنی امیه می افزود.^{۱۳}

فضائل حضرت زینب (علیها السلام)

حضرت زینب (علیها السلام) وارث همه ی فضائل اهل بیت بود، ستاره ی درخشانی بود که در آسمان علم و تقوی و عمل طلوع کرد. او گوهر گرانبهائی بود که تمام فضائل انسانی را درون خود جای داد و چنان شایستگی از خود نشان داد که محرم راز الهی شد و توانست ودایع امامت را به خود اختصاص دهد و بیان کننده حرام و حلال و مرجع علمی و دینی برای شیعیان جهان گردد. و همچون ماه، نور ولایت را از پنج خورشید درخشان معصوم کسب کرد و با آن جهان را روشن ساخت.^{۱۴}

علم و آگاهی

شیخ صدوق محمد بن بابویه (رحمة الله) می گوید:

حضرت زینب (علیها السلام) نیابت خاصی از طرف امام حسین (علیه السلام) داشت و مردم در مسائل حلال و حرام به او مراجعه کرده از او سؤال می پرسیدند. عقیله بنی هاشم از لحاظ علمی به درجه ای رسید که امام زین العابدین (علیه السلام) درباره اش می فرماید: «أَنْتَ بِحَمْدِ اللَّهِ عَالِمَةٌ غَيْرَ مُعَلِّمَةٍ فَهَمَّةٌ غَيْرَ مُفَهِّمَةٍ»؛ «عمه جان! تو بحمدالله دانشمند بدون آموزگار و فهمیده بدون آموزنده هستی. امام با این سخن خود در مقام تسلی و دلداری عمه و الامقامش زمانی که در دروازه کوفه با سخنان شیرین و عبارات دلنشین خود دل های اهل کوفه را در گون نمود برآمد.^{۱۵}

عبادت و بندگی خداوند

حضرت زینب (علیها السلام) شناخت و معرفت را از پدرش امام علی و مادرش زهرا ی اطهر آموخت و با عبادت و نیایش آن را تحکیم بخشید؛ در طول زندگی اش نوافل را ترک نکرد، حتی در مسیر شام، در سخت ترین دوران اسارت آنی از یاد خدا غافل نماند^{۱۶}

حضرت زینب (علیها السلام) با معرفت و شناخت خدا در راه ا و و برای رضای او حرکت می کرد. عمرش را به اموری اختصاص داد که هدف نهایی آن کسب رضای الهی بود . بیشتر ساعات زندگانی او به عبادت سپری می شد ؛ از سوی دیگر در خانواده ای چشم به جهان گشود و رشد و نمو یافت که همه پایه گذاران عبادت و عبودیت بودند و دیگران عبادت و نیایش را از آنان آموختند.^{۱۷}

صبر و پایداری

بعدی عظیم از عظمت بانوی شجاع کربلا مربوط به صبر و رضای اوست . ایشان کسی است که با تمام وجود در برابر ظلم و طغیان خصم قد علم کرد و آنچنان ایستاد که تاریخ در برابرش به حیرت ایستاد. ملاحظه در رفتار ، متانت و بردباری ایشان بدون هیچ گونه تعصّب دینی آدمی را مات و حیران می سازد.

این بانوی محدثه در برابر مردم جاهل و ناآگاه و بی خبر در برابر برنامه ریزی های دستگاه جبار و حيله گر با صبورانه ترین شیوه های تحمل به پیش رفت . حضرت زینب (علیها السلام) در پرتو عنایت و توجّه آل عبا بر دشواری ها و سختی ها صبر کرد، رنج ها و مصیبت هایی را تحمل نمود که اگر بر کوه های استوار و راسخ نازل می شد، از هم فرو می پاشید . صبر زینب (علیها السلام) از نوع صبری نبود که هر فرد زبون و ناتوانی به آن تن می دهد . بلکه صبری خداپسندانه و هدفدار و اندیشیده و از روی برنامه بود. وی می دانست این نوع صبر با ایمان رابطه ی تنگاتنگ دارد و مؤمنی که صابر نباشد، پیوسته ایمان و تقوایش متزلزل خواهد بود و انسان تا صبور نباشد نمی تواند در بندگی خدا، ایستادگی کند و در برابر شیطان و هواهای نفسانی و گریز از گناه و استواری در برابر تنگی ها ثابت قدم باشد.^{۱۸}

الگو واسوه ی زنان

زینب کبری (علیها السلام) در عمر نزدیک به ۶۰ سال خود، اسوه والگوی تمام عیار برای بانوان

جهان اسلام است و زنان عالم تاپایان زندگی و تا عمر جهان باقی است می توانند برای احداث یک زندگی بزرگ منبشانه و تأمین رشد وسعا دت دو جهان خود ، ایشان را مقتدا قرار داده و در مراحل مختلف زندگی، برنامه های عالی و حیات بخش آن مکرمه را در متن زندگی خویش وارد سازند و عملاً و اخلاقاً از آن وجود مقدس پیروی نمایند ،واژه های افتخار آمیزی که جزء مزایا و خصوصیات روشن و بارز عقيله بنی هاشم به شمار می رو

علم، عبادت، اخلاص، ایثار، صبر و پایداری، عزت نفس، عفاف و دیگر فضائل انسانی را زنده کنند و برای دست یافتن به آنها تلاش نموده و در اکتساب و تحصیل این صفات عالیه از پای ننشینند.^{۱۹}

حضرت زینب (علیها السلام) به تنهایی یک دانشگاه است، درسهایی که این معلم به نوع بشریت می دهد در قالب واژه های علمی امروز نمی گنجد . دختر علی (علیه السلام) در همه ابعاد زندگی اش اسطوره ای کم نظیر است . زینب مصداق همه واژه های اخلاقی است، اوبه صبر و استقامت معنی بخشید، به شجاعت و شهامت آبرو داد و بر قامت غیرت و مردانگی لباس عزت پوشید، بلاها و مصیبت های بزرگ را خجل و شرمنده کرد. به تحقیق زنان دنیا، اکنون برای رهایی از اسارت تمدن و فرهنگ مبتذل غرب راهی جز این ندارند که دست به دامن زینب (علیها السلام) برده و او را به عنوان الگو و سرمشق زندگی خود برگزینند.

سفیر کربلا این درس را به ما می آموزد هنگامی که اسلام و قرآن در معرض نابودی ظلم و نفاق قرار گرفت باید قربانی داد، آنها هم قربانی بزرگ، دختر علی از آن چنان ایمان قوی و قرب معنوی برخوردار بود که شهادت برادر، نزد او در برابر اطاعت و رضایت خداوند کوچک است . او قربانی بزرگی چون حسین (علیه السلام) را می دهد و بعد به درگاه خدا می نالد که قربانی اش را قبول کند.

آری، او شهادت برادر و فرزندان و حتی اسیری خود را در مقابل رضایت خدا ناچیز می داند. اگر زنان روزگار مازینب (علیها السلام) را می شناختند به طرز رقت باری شیفته ی الگوهای غربی و شرقی نمی شدند ؛ اگر زینب کبری (علیها السلام) برای زنان دنیا شناخته شده بود، آنان عفاف و پاکدامنی و همه سرمایه های معنوی خود را به دلالت خود فروخته استعمار ارزان نمی فروختند.^{۲۰}

وفات ومحل دفن حضرت زینب (علیها السلام)

حضرت زینب (علیها السلام) پس از پنجاه و شش سال تحمل درد و محنت و مصائب گوناگون سرانجام در سال شصت و دو هجری به جهان باقی شتافت . درباره ی تاریخ وفات آن بانوی بزرگوار نظرات گوناگونی است، معروفترین آنها روز پانزدهم رجب سال ۶۲ هجری است . درباره ی علت وفات این بانو روایت می کنند : یک روز قبل از وفاتشان، مادرش حضرت فاطمه (علیها السلام) را در خواب دید ، وقتی از خواب بیدار شد، بسیار گریست و دلش پر از اندوه و تأثر شد و از حال رفت . دیگر اعضای خانواده، خود را به ایشان رساندند ؛ دیدند روح ملکوتی آن بانو به ملکوت اعلی پیوسته است.

طبق دلایل و شواهد فراوان مورخان و محققان، مرقد پاک دختر امیرمؤمنان در زینبیه نزدیکی دمشق است که بارگاه بسیار مجلل و باشکوه دارد و هر سال میلیون ها زائر و عاشق را به خود می پذیرد . و در میان آنان دانشمندان و محققین و علمای بزرگ حتی مراجع تقلید برای زیارت به این مکان می شتابند، و در عمل اعلان می کنند که قبر زینب (علیها السلام) در شام است.

اما اینکه چرا آن بانوی بزرگوار در مدینه نماند و به سرزمین شام رفته است نظرات گوناگونی وجود دارد؛ بعضی معتقدند که حضرت در جریان تهاجم سپاه یزید به مدینه در سال ۶۲ هجری به این دیار آمده است و برخی می گویند: سال قحطی در مدینه باعث شد که زینب (علیها السلام) همراه شوهرش به شامات رفتند چون در آنجا مزارع و باغهای فراوان داشتند . گروهی دیگر عقیده دارند که زینب پس از شهادت امام حسین (علیها السلام) و بازگشت به مدینه ساکت ننشست و با زبان گویا و خطبه های بلیغ ، مردم را روشن ساخت و ظلم و ستمگریهای یزید و اطرافیان او را افشا کرد و این اخبار به گوش یزید رسید و او نیز حضرت زینب (علیها السلام) و شوهرش را به سوی شام تبعید کرد و پس از چندی در اثر بیماری در آنجا درگذشت ^{۲۱}.

نتایج

مشارکت و حضور زنان در صحنه های مختلف جامعه از مسائلی است که امروزه مورد بحث بسیاری قرار می گیرد. شک نیست که اصل حضور بانوان در صحنه ی اجتماع مسئله ای مورد توافق است اما در شرایط و محدوده ی آن اختلافاتی وجود دارد. بی تردید وظیفه ی اصلی زنان هر جامعه تربیت و پرورش فرزندان و گرم نگه داشتن کانون خانواده است ازاین رو اشتغال به هر کاری که زنان را از انجام این وظیفه ی خطیر باز دارد، آنان را از رسالت و شخصیت اصلی خود دور کرده، زیان های غیرقابل جبرانی بر جامعه وارد و به آنها شخصیت کاذب و دروغین می بخشد.

نکته ی دیگری که در مشارکت زنان در صحنه های مختلف اجتماعی و سیاسی باید مورد توجه قرار گیرد، حفظ حدود شرعی و حریم عفت، حیا و پاکدامنی است. تاریخ اسلام زنان مؤمن و فداکار بسیاری را سراغ دارد، که علاوه بر انجام مسئولیت و رسالت خود در خانواده و رعایت کامل شئون عفت و پاکدامنی، با حضور فعال خود در صحنه های حساس سیاسی و اجتماعی مسیر تاریخ را تغییر داده اند و بدینوسیله نام خود را در زمره مردان و زنان تاریخ ساز به ثبت رسانده اند. بدون شک حضرت زینب (علیها السلام) یکی از زنانی است که به عنوان الگو و اسوه برای همه ی زنان و مردان آزاده و ظلم ستیز در همه ی زمان ها مطرح است.

پس حضرت زینب (علیها السلام) آمده بود تا رسالت خود را به انجام برساند؛ مونس و یاربرادر، قافله سالار حسین و غم خوار اسیران باشد. آمده بود تا فریاد بلند مظلومان باشد؛ فریادی که پژواک آن هنوز هم از ورای تاریخ به گوش شنوای دل های حق جوین می رسد. یادش گرامی و راهش پررهرو باد.

امید آنکه خدای متعال توفیق پیروی و اقتدائی به آن بانوی بزرگ را به ما عطا فرماید تا بتوانیم گوشه ها و زوایائی از قداست، عظمت و منزلت عالی زینب (علیها السلام) را درک کرده

و جامعه ما جامعه ای شود که ایشان را تنها در محدوده ذکر مصائب نبینند بلکه آن حضرت را به نام صاحب مکتبی نجات بخش و حیات آفرین بشناسند و به آرمان های اصیل و بلند زینب علیها السلام دست یابند.

پی نوشت ها

- ^۱ - محمد کاظم قزوینی، زینب کبری (علیها السلام) (از ولادت تا شهادت)، کاظم حاتم طبری، پیام مقدس، ص ۲۷.
- ^۲ - جعفر نقدی، زینب الکبری (علیها السلام)، عمادالدین اصفهانی، بی نا، ص ۲۲.
- ^۳ - کاظم رافع، حضرت زینب (علیها السلام) (سیره عملی اهل بیت (علیهم السلام))، قادر، ص ۷۵.
- ^۴ - بدرتقی زاده انصاری، زینب (علیها السلام) بانوی ماندگار تاریخ، علوم روز، صص ۸۵-۸۶.
- ^۵ - علی پرورش، زینب (علیها السلام) شیرزن عالم (رهرو ظلمت در جهان)، بی نا، صص ۹۱-۹۲.
- ^۶ - بدرتقی زاده انصاری، همان، ص ۹۹.
- ^۷ - ر.ک: محمد کاظم قزوینی، زینب کبری (علیها السلام) از ولادت تا شهادت، محمد اسکندری، صیام، ص ۳۶.
- ^۸ - حسن دبیر حاج سید جوادی، زینب (علیها السلام) حماسه ای ابدی بر فراز تاریخ، نوید، ص ۱۶۴.
- ^۹ - ر.ک: محمد کاظم قزوینی، اسکندری، همان، صص ۸۷-۸۹.
- ^{۱۰} - حسن یوسفی، زندگانی حضرت زینب (علیها السلام)، دفتر فرهنگ اسلامی، صص ۴۳-۴۴.
- ^{۱۱} - حسن دبیر حاج سید جوادی، همان، ص ۱۶۴.
- ^{۱۲} - احمد امیری پور، همان، ص ۱۷.
- ^{۱۳} - اسماعیل منصوری لاریجانی، زینب کبری (علیها السلام) فریادی بر اعصار، آیه، صص ۱۹۱-۱۹۲.
- ^{۱۴} - علی اکبر بابازاده، سیمای زینب کبری (علیها السلام)، دانش و ادب، صص ۶۱-۶۳.
- ^{۱۵} - عباس حاجیانی دشتی، همان، صص ۷۷-۷۸.
- ^{۱۶} - علی اکبر بابازاده، همان، ص ۹۳.
- ^{۱۷} - همان، ص ۸۳.

- ۱۸- علی قائمی، زندگی حضرت زینب (علیها السلام) (رسالتی از خون و پیام)، امیری، ص ۱۳۲.
- ۱۹- ر.ک: کریمی جهرمی، عقیده بنی هاشم زینب (علیها السلام) (تحلیلی از شخصیت والای زینب)، راسخون، ص ۱۳۰.
- ۲۰- اسماعیل منصوری، همان، صص ۱۱۰- ۱۰۸.
- ۲۱- ر.ک: عباسقلی سپهر، ناسخ التواریخ (احوال حضرت زینب (علیها السلام))، مصحح: محمدباقر بهبودی، اسلامیه، ص ۳۲۴.

فهرست منابع و مآخذ

- ۱- امیری پور احمد، آشنائی با فرزندان و یاران چهارده معصوم (علیهم السلام)، مشهد، راز توکل، سوم، ۱۳۸۲.
- ۲- ارفع سید کاظم، حضرت زینب (علیها السلام) (سیره عملی اهل بیت (علیهم السلام))، تهران، قادر، اول، ۱۳۷۷.
- ۳- بابازاده علی اکبر، سیمای زینب کبری (علیها السلام)، قم، دانش و ادب، اول، ۱۳۸۱.
- ۴- پرورش علی، زینب (علیها السلام) شیرزن عالم (نور و ظلمت در جهان)، بی جا، بی نا، اول، ۱۳۵۰.
- ۵- تقی زاده انصاری بدر، زینب (علیها السلام) بانوی مان‌گار تاریخ، تهران، علوم روز، اول، ۱۳۸۳.
- ۶- حاجیانی دشتی عباس، نائبة الزهراء زینب کبری (علیها السلام)، قم، موعود اسلام، اول، ۱۳۸۴.
- ۷- دبیر حاج سید جواد سید حسن، زینب (علیها السلام) حماسه ای ابدی بر فراز تاریخ، تهران نوید، اول، ۱۳۶۰.
- ۸- سپهر عباسقلی، ناسخ التواریخ (احوال حضرت زینب (علیها السلام))، مصحح: محمد باقر بهبودی تهران، اسلامیه، بی تا.
- ۹- قزوینی سید محمد کاظم، زینب کبری (علیها السلام) (از ولادت تا شهادت)، محمد اسکندری، تهران صیام، اول، ۱۳۸۷.
- ۱۰- قزوینی سید محمد کاظم، زینب کبری (علیها السلام) (از ولادت تا شهادت)، کاظم حاتم طبری، قم، پیام مقدس، دوم، ۱۳۸۶.
- ۱۱- قائمی علی، زندگی حضرت زینب (علیها السلام) (رسالتی از خون و پیام)، بی جا، امیری، ۱۳۷۲، ۱۲۸.
- ۱۲- کریمی جهرمی آیت الله عقیله بنی هاشم زینب (علیها السلام) (تحلیلی از شخصیت والای زینب) قم، راسخون، اول، ۱۳۷۶.
- ۱۳- منصوری لاریجانی اسماعیل، زینب کبری (علیها السلام) فریادی بر اعصار، تهران، آیه، اول، ۱۳۷۸.
- ۱۴- نقدی جعفر، زینب کبری (علیها السلام)، عمادالدین اصفهانی، بی جا، بی نا، اول، ۱۳۲۳.
- ۱۵- یوسفی (آملی) حسن، زندگانی حضرت زینب (علیها السلام)، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی اول، ۱۳۷۷.
